

دکتر دیو متیوسون، ادبیات عهد جدید، سخنرانی ۱۸، دوم قرن‌تیا و غلاطیان

© 2024 دیو متیوسون و تد هیلدبرانت

این سخنرانی ۱۸ در مورد ۲ قرن‌تیا و غلاطیان توسط دکتر دیو متیوسون در دوره تاریخ و ادبیات عهد جدید بود.

بسیار خوب، بیایید جلو برویم و شروع کنیم. کاری که امروز انجام خواهیم داد این است که به سرعت از ۲ قرن‌تیا عبور کنیم. ما کمی در مورد پیشینه آن و چرایی نوشته شدن، موضوع اصلی آن و غیره صحبت خواهیم کرد.

اما من به جزئیات بیشتری نمی پردازم. این یکی از کتاب هایی است که در آن ما نسبتا بلند یا نسبتا بلند پرواز می کنیم. اما در مورد غلاطیان، ما دوباره شیرجه می زنیم و نگاهی دقیق تر به غلاطیان می اندازیم تا آنجا که در آن کتاب چه می گذرد، چرا نوشته شده است، و به چند متن با جزئیات بیشتری نگاه می کنیم.

اما بیایید با دعا شروع کنیم، و سپس سعی می کنیم این سوال را بررسی کنیم، چرا نامه دیگری به قرن‌تیا؟ بسیار خوب.

ای پدر، از تو سپاسگزارم برای محبت به ما و برای اینکه با مهربانی خود را از طریق کلام مکتوب خود به ما آشکار کردی که ما سابقه ای داریم که همچنان با ما صحبت می کند، یک سابقه مکتوب از وحی گذشته تو اما وحی مداوم به قوم تو نیز امروز. و من دعا می کنم که در نتیجه این کلاس، ما قادر به تفکر عمیق تر و عمیق تر در مورد آن وحی و پیامدهای آن برای زندگی امروز ما باشیم. به نام عیسی، ما دعا می کنیم، آمین.

بسیار خوب، بنابراین ما آخرین دوره کلاس را با نگاه کردن به اول قرن‌تیا با جزئیات به پایان رساندیم، اما همچنین متوجه شدیم که اول قرن‌تیا در واقع فقط یک نامه است، حداقل که ما می دانیم، یک نامه از حداقل چهار نامه ای که پولس به شهر قرنتس نوشت، شهری که او در یکی از سفرهای تبلیغی خود از آن بازدید کرد که ما در اعمال رسولان درباره آن می خوانیم، اعمال رسولان فصل ۱۸. پولس اساسا حدود یک سال و نیم در قرنتس زندگی کرد و کلیسای در آنجا تأسیس کرد و سپس پولس حداقل چهار نامه به قرن‌تیا نوشت. دو نفر از آنها در آنچه ما قرن‌تیا ۱ و ۲ می نامیم زنده مانده اند.

دیگران را در خود نامه ها در قرن‌تیا ۱ و ۲ خود می یابیم، اما دیگر آن ها را نداریم، و به دلایلی آنها زنده نمانده اند. اما چرا نامه دیگری به قرن‌تیا؟ بنابراین، بیایید قطعه دیگری از نامه کلیسا را بیرون بکشیم، از نامه های کلیسای اولیه و نامه ای که ما آن را دوم قرن‌تیا می نامیم، که از نظر فنی دیدیم ۴ قرن‌تیا است. این حداقل چهارمین نامه ای است که پولس می دانیم، که پولس احتمالا به قرن‌تیا نوشت.

اما چرا نامه دیگری به قرن‌تیا؟ خوب، اول از همه، پس از اول قرن‌تیا، ظاهرا بسیاری از قرن‌تیا به اول قرن‌تیا پاسخ مثبت دادند. تمام دستورالعمل های مختلفی که پولس به قرن‌تیا داد، همه آنها مربوط به این است که چگونه کلیسا اجازه داده بود ارزش ها و تفکر فرهنگ سکولار قرن‌تیا در کلیسا نفوذ کند، به ویژه تمایزات طبقاتی و نخبه گرایی اجتماعی، رابطه حامی و مشتری و غیره. این نوع پویایی های اجتماعی به کلیسا رخنه کرده بود و در واقع باعث ایجاد تعدادی از مشکلات شد که پولس در کتاب اول قرن‌تیا به آنها می پردازد.

بنابراین ظاهراً، در بیشتر موارد، قرنطیان، بیشتر آنها به نامه او پاسخ مثبت داده بودند. با این حال، در این میان، پولس اخباری دریافت می کند مبنی بر اینکه اقتدار او به عنوان یک رسول توسط برخی از دردرسازان در جماعت قرنطیان به چالش کشیده شده است. بنابراین، پس از اینکه پولس اول قرنطیان را می نویسد، و دوباره از نظر جسمی از شهر جدا شده است، برخی فکر می کنند که پولس در واقع سفر دیگری به قرنطس انجام داد که ما در این مرحله از اعمال رسولان به آن اشاره نمی کنیم، اما پولس اخباری دریافت می کند که برخی در شهر قرنطس در کلیسا هستند که اقتدار او را به عنوان یک رسول به چالش می کشند.

و بنابراین، پولس نامه ای می نویسد که اغلب به عنوان نامه دردناک یا اشک آور شناخته می شود. پولس در فصل 2 و آیه 4 می گوید، زیرا من شما را از روی پریشانی و غم و اندوه بسیار و با اشک های فراوان نوشتم، نه برای اینکه شما را درد آورم، بلکه برای اینکه محبت فراوانی را که نسبت به شما دارم به شما بدانم. و اگر بتوانم به آیه 3 برگردم، آیه درست قبل از آن، او می گوید، در واقع به آیه 1 برمی گردم. بنابراین، تصمیم گرفتم که یک دیدار دردناک دیگر برای شما انجام ندهم.

بنابراین، می توانید ببینید که بین پولس و بسیاری از اعضای جماعت قرنطیان تنش وجود دارد. زیرا اگر من برای شما درد ایجاد کنم، چه کسی وجود دارد که مرا خوشحال کند جز کسی که او را درد داده ام؟ و همانطور که نوشتم، با اشاره به این نامه قبلی، احتمالاً نه اول قرنطیان، بلکه نامه دیگری را نوشتم، همانطور که نوشتم تا وقتی آمدم، از کسانی که باید مرا خوشحال می کردند رنج نبرم. زیرا من در مورد همه شما اطمینان دارم که شادی من شادی همه شما خواهد بود.

زیرا من برای شما از روی پریشانی و غم و اندوه بسیار و با اشک های فراوان نوشتم. بسیاری آن را به عنوان اشاره به این نامه اشک آور یا دردناک می دانند که پولس مدتی پس از نوشتن اول قرنطیان برای پاسخ به یک مشکل جدید و پاسخ به این چالش در برابر اقتدار خود نوشت. اکنون پس از آن نامه دردناک، پولس خبری دریافت می کند که بسیاری از قرنطیان به آن نامه دردناک پاسخ داده اند و در واقع از نحوه رفتاری که با پولس داشته اند توبه کرده اند.

و آنها اکنون به درستی پاسخ داده اند و به روشی که پولس به این نامه اشک آور امیدوار بود پاسخ داده اند. با این حال، همراه با این خبر خوب، پولس خبر بدی دریافت می کند که هنوز کسانی در قرنطس هستند که با او و اقتدار او به عنوان یک رسول مخالفت می کنند. و در پاسخ به این، پولس سپس کتابی را می نویسد که ما آن را به عنوان دوم قرنطیان می شناسیم، که از نظر فنی حداقل 4 قرنطیان است.

باز هم، ما حداقل 4 نامه را می دانیم که ظاهراً پولس نوشته است و 2 قرنطیان ما چهارمین نامه ای است که ما می دانیم. اما در پاسخ به این، در پاسخ به این واقعیت که بسیاری به آن نامه اشک آور و دردناک پاسخ مثبت داده اند، اما هنوز کسانی هستند که با او و اقتدار او به عنوان یک رسول مخالفت می کنند، در پاسخ به هر دوی آنها، پولس اکنون نامه دوم قرنطیان را می نویسد و آن را برای قرنطیان می فرستد تا به این موضوع پردازد. بنابراین دوباره، امیدوارم که تا به حال متوجه شده باشید که نامه های عهد جدید اسناد صرفاً الهیاتی نیستند.

باز هم، در هیچ نقطه ای نمی بینیم که پولس به سادگی بنشیند و یک مقاله یا یک کتاب درسی بنویسد که تمام افکار الهیاتی خود را بیان کند، اما نامه های پولس از نگرانی های بسیار شبانی ناشی می شود. به این معنا که پولس از مسائل و مشکلاتی که در این کلیساها به وجود آمده است آگاه است که از کتابی که در اعمال رسولان درباره آن می خوانیم، یا حتی چند کلیسا مانند شهر روم، نامه ای به رومیان که کاشته است، اما هنوز از مشکلات یا مشکلات می شنود، آگاه است. و اکنون پولس می نشیند و این نامه ها را می نویسد. بنابراین، این الهیات است که به سمت یک هدف خاص هدایت می شود، و دوم قرنطیان به وضوح به یک مشکل یا مسئله مهم می پردازد که در شهر قرنطس قرن اول به وجود آمده است.

بنابراین، هدف دوم قرنطیان چیست؟ چرا پولس آن را نوشت؟ اساساً، پولس اول قرنطیان را می نویسد تا قرنطیان را برای پاسخ دادن به نامه او که برای آنها نوشته بود، ستایش کند، بنابراین او برای ستایش کسانی که پاسخ داده اند می نویسد، اما همچنین می نویسد تا به کسانی که هنوز با او مخالف هستند هشدار دهد و نصیحت کند. گروهی از افراد که پولس آنها را رسولان فوق العاده می نامد، برای استفاده از ترجمه انگلیسی ممکن. پولس می نویسد که این ابر رسولان پولس را به چالش می کشند تا به آنها هشدار دهد و در مورد نحوه عملکردشان هشدار دهد، و بنابراین اقتدار خود را به عنوان یک رسول، به ویژه برای کسانی که رسالت او را زیر سوال می برند، دوباره برقرار کند.

یکی از مسائل مربوط به دوم قرنطیان این واقعیت است که وقتی دوم قرنطیان را با دقت می خوانید، به نظر می رسد که یک تغییر ناگهانی در نگرش و لحن پولس ایجاد می شود، کمی بیش از نیمه راه نامه، تقریباً با فصل 10 شروع می شود. بنابراین، فصل های 1 تا 9 لحن نسبتاً مثبتی دارند، و اینجاست که پولس تثبیت می کند، او در مورد اقتدار خود به عنوان یک رسول صحبت می کند، او به آنها یادآوری می کند که او خادم این عهد جدید است، ما در بخش های قبلی عهد جدید کمی در مورد عهد جدید صحبت کرده ایم، و پولس اقتدار خود را به عنوان یک رسول و خادم عهد جدید تثبیت می کند، اما فصل های 9-1 از نظر دیدگاه و لحن بسیار مثبت هستند. وقتی در بقیه نامه به فصل 10 می رسید، لحن پولس بسیار منفی تر و خشن تر می شود.

و واقعاً هیچ انتقالی در این بین وجود ندارد، فقط شما به فصل 10 می رسید، اینطور نیست که چیزی در پایان فصل 9 وجود داشته باشد که شما را برای لحن تندتر و منفی تر در فصل 10 آماده کند، این فقط یک تغییر ناگهانی است. و این باعث شده است که بسیاری از محققان بپرسند، خوب چگونه می توانیم این تغییر را توضیح دهیم؟ یکی از راه حل ها این است که دوم قرنطیان در واقع، حداقل به شکلی که اکنون در زمان گنجاندن آن در قانون عهد جدید داریم، برخی احساس می کنند که دوم قرنطیان در واقع مجموعه ای از دو نامه جداگانه ای است که پولس نوشته است، زیرا این تغییر بسیار ناگهانی است، و تغییر بسیار شدید، که مطمئناً نمی تواند دو حرف باشد، بنابراین برخی پیشنهاد کرده اند که فصل های 9-1 و 13-10 دو حرف جداگانه ای هستند که وقتی به عهد جدید راه یافتند ترکیب شده اند، آنها با هم ترکیب شده و در نامه ای که اکنون به عنوان دوم قرنطیان می شناسیم ویرایش شده اند. و احتمالاً دلایل دیگری نیز وجود دارد که چرا مردم فکر می کنند آنها دو حرف متفاوت هستند.

اما این یک پیشنهاد بسیار رایج است، که آنچه ما داریم در واقع دو حرف جداگانه است. برخی حتی پیشنهاد کرده اند که در این جای، یکی از این نامه ها در واقع نامه اشک آور است که پولس در فصل 2 به آن اشاره می کند، که نامه اشک آور یکی از نامه های گنجانده شده در این بخش است، شاید در 13-10. حال، بدون صرف زمان زیادی برای این موضوع، زیرا دوباره، مهم نیست که چه اتفاقی افتاده است، به شکلی که ما آن را در عهد جدید داریم، ما هنوز باید این واقعیت را در نظر بگیریم که ما این کتاب را داریم که آن را دوم قرنطیان می نامیم که فصل 1-13 است.

بنابراین در نهایت، هدف این است که با متن تمام شده برخورد کنیم، متن نهایی همانطور که داریم. با این حال، بدون صرف زمان زیاد، آیا راهی برای توضیح تفاوت لحن بین این دو بخش وجود دارد؟ آیا این نشان دهنده این واقعیت است که این دو حرف جداگانه هستند؟ یا می توانید راه دیگری برای توضیح تفاوت بین فصل های 9-1 و فصل های 13-10 فکر کنید، بدون اینکه بگویید آنچه ما داریم دو نامه جداگانه ای است که پولس در مناسبت های مختلف نوشت، و بعداً، یک کاتب یا کسی آنها را در حالی که راه خود را به عهد جدید باز کرد و آنها را در این شکل نامه زیبا که ما آن را دوم قرنطیان می نامیم، کنار هم قرار داد. آیا راه دیگری برای توضیح تغییر ناگهانی دیدگاه و لحن بین نه فصل اول و فصل های 13-10 وجود دارد که منفی تر

هستند؟ شاید پل شب سختی را پشت سر گذاشت و فصل‌های 9-1 را به پایان رساند، خوب خوابید و تحریک پذیر بود، و از خواب بیدار شد و 10-13 نوشت.

شما آن یکی را دوست نداشتید؟ چه چیزی ممکن است تفاوت را توضیح دهد؟ فکر کردن به برخی از پیشینه‌هایی که ما در مورد آن صحبت کردیم. ممکن است، دقیقاً حق با شماست، ممکن است که اول از همه، ما نیازی به فکر کردن نداشته باشیم، اگرچه ممکن است اینطور بوده باشد، اما آیا پولس مجبور شد بنشیند و همه چیز را در یک جلسه از ابتدا تا انتها بنویسد؟ نمی‌دانم، شاید این روشی است که آنها در قرن اول نامه می‌نوشتند. یا آیا می‌توانست مقداری از آن را نوشته و اطلاعات جدیدی دریافت کند که باعث شود بقیه نامه را بنویسد، که با توجه به برخی از اطلاعاتی که دریافت کرده است، لحن منفی تری دارد؟

این کاملاً امکان پذیر است. شما فکر می‌کنید که به خصوص با توجه به اول قرن‌تین که او اشاره می‌کند، اکنون در مورد آنچه برای من نوشته شده است برای شما می‌نویسم. ممکن است انتظار داشته باشید که در فصل 10 با نشانه‌هایی شروع شود که او ممکن است اخبار بیشتری دریافت کرده باشد.

اما این قابل قبول است، اما او می‌توانست اطلاعات بیشتری دریافت کند. با فرض اینکه خوانندگان می‌دانستند چه اتفاقی در حال رخ دادن است، به نوعی لحن او را تغییر می‌داد. آیا نمی‌توانیم از نقطه نظر فصل‌های 1 تا 9 نیز به آن نگاه کنیم، پولس به ویژه کسانی را که پاسخ مثبت داده اند، خطاب قرار می‌دهد، در حالی که در فصل‌های 10 تا 13، پولس سپس به همان بخش از قرنتس می‌پردازد که هنوز با او مخالفت می‌کند و اقتدار او را به چالش می‌کشد.

و به همین دلیل لحن او نسبت به کسانی که هنوز با او مخالف هستند خشن تر و منفی تر می‌شود. بنابراین تغییر لحن ممکن است منعکس کننده دو حرف جداگانه نباشد، بلکه دو گروه جداگانه در کلیسای قرنتس را منعکس کند. یک بار دیگر یکی پاسخ مثبت داده است که ستایش می‌کند، و دیگری هنوز با او مخالف است و اقتدار او را به چالش می‌کشد، جایی که پولس لحن خشن تر و منفی تر می‌شود.

بنابراین فکر نمی‌کنم تغییر لحن لزوماً ما را به این فکر سوق دهد که دو نامه جداگانه وجود دارد که کاتب بعدی آنها را ویرایش کرده و کنار هم قرار داده است، اما باز هم ممکن است فقط منعکس کننده دو بخش مختلف از کلیسای قرنتیان و نگرش آنها نسبت به پولس باشد. یکی از متون، فقط برای گفتن چیزی بسیار کوتاه در مورد پایان بخش اول که لحن مثبت تری دارد، در فصل‌های 9-8 از اول قرنتیان، متأسفانه، دوم قرنتیان، پولس در یک بخش نسبتاً طولانی، در واقع، طولانی‌ترین بخشی که ما در مورد موضوع دادن داریم یا برخی از ما از کلمه ده یک استفاده می‌کنیم، پولس اساساً قرنتیان را تشویق می‌کند زیرا می‌خواهد مجموعه‌ای را به دست بگیرد که پولس آن را به اورشلیم بازگرداند. بنابراین پولس امیدوار است که وقتی به قرنتس می‌رسد بتواند جمع شود، قرنتیان یک هدیه یا مجموعه‌ای برداشته باشند و او آن را به اورشلیم برگرداند، به کلیسای در اورشلیم، که از نظر تاریخی کلیسای اورشلیم اغلب در طول قرن اول از قحطی و چیزهایی از این قبیل رنج برده است، و شاید این تلاش پولس برای جمع‌آوری حمایت از کلیسای قرنتس برای کمک به کمک به قحطی در شهر اورشلیم، کلیسا و مسیحیان در اورشلیم.

حالا چند سوال، یا شاید یک سوال و مشاهده، اول از همه، و یکی از آنها بیشتر یک مشاهده عملی از نوع الهیاتی، اما اول از همه، یک سوال، فکر می‌کنید چرا پولس مشتاق است که مسیحیان قرنتیان را وادار کند که هدیه‌ای را بپذیرند تا بتواند آن را به اورشلیم بازگرداند؟ منظورم این است که من نمی‌گویم فقط یک دلیل وجود دارد، اما فقط فکر کردن به نوعی الهیاتی در مورد برخی از چیزهایی که ما در رابطه با تاریخ منتهی به عهد جدید و در طول آن صحبت کرده ایم، برخی از چیزهایی که ما در انجیل‌ها و سایر نامه‌های پولس دیده ایم، این است که چرا پولس ممکن است مشتاق باشد که کلیسای قرنتیان را تشویق کند تا مجموعه‌ای را انتخاب کند، یک هدیه، که او پس از آن به کلیسای قرنتیان ارسال؟ پولس علاوه بر اینکه فقط

بشردوستانه خوبی است و نسبت به کسانی که رنج می برند و نیازمند هستند، شفقت و نگرانی نشان می دهد، زمانی که شاید منابع دارند یا حتی اگر نداشته باشند، به آنها می گوید که مایل باشند، که از فقر خود کمک کرده اند، اما چرا پولس اینقدر مصمم است که آنها را وادار کند تا مجموعه ای را جمع کنند تا بتواند آن را به کلیسای اورشلیم برگرداند، مسیحیان در اورشلیم؟ اگر کلیسای اورشلیم در درجه اول یهودی و کلیسای قرننثیان غیریهودی تر باشد، این راه دیگری برای پولس خواهد بود تا همبستگی بین یهودیان و غیریهودیان را برقرار کند، با داشتن یک کلیسای غیریهودی که اکنون از کلیسای اورشلیم حمایت می کند. بنابراین، این ممکن است تجلی عملی تری از نگرانی اساسی پولس در مورد اتحاد بین یهودیان و غیریهودیان باشد. و بنابراین، با داشتن کلیسای غیریهودی اکنون مجموعه ای را که اکنون به کلیسای اورشلیم می فرستد، امیدواریم که به همبستگی بین یهودیان و غیریهودیان کمک کند، که پولس برای حفظ آن بسیار سخت جنگیده است، که انجیل به غیریهودیان و همچنین یهودیان می رسد، که اکنون یک قوم واقعی خدا وجود دارد.

و ما خواهیم دید که این موضوع در غلطیان و تعدادی از جاهای دیگر نیز ظاهر می شود. Yep? درسته، درسته. بله، ممکن است چنین چیزی نیز وجود داشته باشد.

به خوبی می تواند این ایده وجود داشته باشد که این فراخوانی برای غیریهودیان است تا ریشه های واقعی مشارکت خود را در انجیل بشناسند، تا بفهمند که شما مقداری بدهکار هستید، نه اینکه آنها برای چیزی پول می پردازند، بلکه به یک معنا این یک تشخیص است که، همانطور که پولس در جای دیگری خواهد گفت، غیریهودیان از کشورهای مشترک المنافع اسرائیل جدا شدند. آنها غریبه و بیگانه و بیگانه بودند، اما اکنون در وعده ها و پیمان هایی که به اسرائیل داده شده است، سهیم شده اند. شاید این راهی برای یادآوری آنها و به نوعی نشان دادن قدردانی آنها از پیشینه یهودی برای نجاتی باشد که دارند. این نکته بسیار خوبی است.

نکته جالب دیگر در مورد این متن این است که باز هم این بیشتر یک موضوع الهیاتی عملی است که حداقل فکر کردن به آن جالب است، به خصوص وقتی آن را با عهد عتیق مقایسه می کنید، جالب است که گسترده ترین پرداختن به بخشش در عهد جدید حداقل چیزی در مورد دادن ده یک ذکر نشده است. در واقع، وقتی دوم قرننثیان فصل ۸ تا ۹ را با دقت می خوانید، پولس هرگز، و همانطور که عهد جدید را درک می کنم، هرگز از ما نمی خواهد که ۱۰ درصد را به ده-یک بدهیم. در عوض، پولس روشن می کند که معیار بخشش ما سخاوت و قدردانی از عیسی مسیح است.

در حقیقت، من امروز متقاعد شده ام که این، و احتمالاً همه ما آن را شنیده ایم و هنوز هم آن را می شنوم، اما ۱۰ درصد، گفتن اینکه شما باید ۱۰ درصد از درآمد خود را بدهید، برای برخی از افراد به سادگی غیرمنطقی است. برای دیگران این جرم است. آنها به راحتی پیاده می شوند.

۱۰٪، آنها باید ۳۰ یا ۴۰٪ بدهند. اما پولس هرگز در مورد دادن ده یک صحبت نمی کند. در عوض، دوم قرننثیان فصل ۸ تا ۹ به وضوح می گوید که پولس از نظر سپاسگزاری و عشق به عیسی مسیح و آنچه به شما داده است، تا جایی که می توانید سخاوتمندانه صحبت می کند.

بنابراین، چیزی که من وقتی به بخشش فکر می کنیم این است که عامل اصلی این نیست که ۱۰ درصد از آنچه به دست می آورید یا به دست می آورید را محاسبه کنید، بلکه در عوض بپرسید که چگونه می توانم، سخاوتمندانه ترین مبلغ چیست، چگونه می توانم در آنچه می دهم تا حد امکان سخاوتمند باشم؟ یک چیز دیگر که باید در مورد دوم قرننثیان بگوییم قبل از اینکه ادامه دهیم، و من فقط آنچه را که فکر می کنم موضوع اصلی کتاب است بیان می کنم، یا یکی از موضوعات اصلی، دوم قرننثیان از ابتدا تا انتها است، بسیار جذاب است، به خصوص زمانی که پولس با این رسولان فوق العاده یا کسانی که با او مخالف هستند مبارزه

می کند، جالب است که نشانه یا نشانه اصلی اعتبار رسالت پولس همیشه رنج او است. جالب است که وقتی او به اصالت یا اعتبار اقتدار رسولی خود اشاره می کند، به مهارت های بلاغی یا توانایی خود در اعمال قدرت بر شخص دیگری اشاره نمی کند، بلکه در عوض همیشه به طرز جالبی به رنج خود اشاره می کند. بنابراین، در کتاب قرنیتان، رنج حداقل با پولس به عنوان نشانه ای از ضعف یا تبعیت او از این ابر رسولان دیده نمی شود.

در واقع، این کاری است که ظاهراً این ابر رسولان انجام می دادند. آنها به نقاط ضعف پولس به عنوان نشانه ای از اینکه او واقعاً یک رسول نبود اشاره می کردند، اما پولس روشن می کند که رنج او در واقع نشانه ای از اعتبار رسالت او است. به عنوان مثال، در انتهای نامه در فصل 12، و این جالب است که او چگونه می نویسد، در انتهای فصل که می گوید، و شما می توانید بشنوید که پولس تقریباً به یک معنا کنایه آمیز است، او به این رسولان فوق العاده می گوید، کسانی که با او مخالفت می کنند و به اعتبارشان می بالند و پولس را تحقیر می کنند، زیرا او فاقد اعتبار و قدرت بیان و ارائه است، همانطور که پولس می گوید، لاف زدن ضروری است.

هیچ چیز از آن به دست نمی آید، اما من به رویاها و مکاشفات خداوند خواهم رفت. بنابراین، پولس به یک معنا می گوید، من نمی خواهم لاف بزنم، اما اگر بخواهم لاف بزنم، و شما مرا مجبور به انجام این کار کنید، می توانم اعتبارنامه ها را نیز بگذارم. و او می گوید که من می توانم به رویاها و مکاشفه هایی که داشته ام بپردازم.

او می گوید، من شخصی را در مسیح می شناسم که ۱۴ سال پیش تا آسمان سوم گرفتار شد، چه در بدن و چه خارج از بدن، نمی دانم، خدا می داند. و من می دانم که چنین شخصی، چه در بدن و چه خارج از بدن، نمی دانم، خدا می داند. جالب است که او این را دو بار تکرار می کند.

این شخص در بهشت، به بهشت گرفتار شد و چیزهایی را شنید که نباید گفت، که هیچ انسانی اجازه ندارد آنها را تکرار کند. به عبارت دیگر، پولس یک تجربه رویایی دارد که در مورد آن در دانیال در عهد عتیق و کتاب مکاشفه در عهد جدید خوانده اید که بعداً به آن توجه خواهیم کرد، که بعداً در ترم به آن نگاه خواهیم کرد. اما پولس ادامه می دهد و می گوید، از طرف چنین شخصی، من به خود می بالم، اما از طرف خودم، جز در ضعف هایم به خود نمی بالم.

و سپس ادامه می دهد و می گوید، برای اینکه او را از تکبر باز دارد، خدا خاری در جسم به او داد. و این استعاره ای از نوعی مانع یا چیزی است که پولس را از به رخ کشیدن محدودیت ها باز می دارد. انواع اختلاف نظرها در مورد اینکه آیا این فیزیکی است یا معنوی وجود دارد.

برخی سعی کرده اند این را به بد بینایی پولس گره بزنند. آیا او بیماری یا مشکل گفتاری داشت یا این یک عذاب جسمی بود؟ متن به ما نمی گوید. اما آنچه در آیه 8 می گوید، پولس می گوید، سه بار در این مورد از خداوند درخواست کردم که این مانع را از بین ببرد، هر چه که از نظر جسمی یا روحی بود، اما سرور به من گفت، فیض من برای شما کافی است زیرا قدرت در ضعف تو کامل می شود.

بنابراین، پولس می گوید، پس من با خوشحالی بیشتری به ضعف هایم می بالم تا قدرت مسیح در من ساکن شود. بنابراین، من به ضعف، توهین، سختی، آزار و اذیت و مصیبت به خاطر مسیح راضی هستم. زیرا هر وقت ضعیف باشم، قوی هستم.

بنابراین، بخشی از پاسخ پولس که به ضعف خود به عنوان اعتباری برای رسالت خود اشاره می کند این است که او متقاعد شده است که از طریق ضعف او است که قدرت خدا آشکار تر و آشکار تر می شود.

بنابراین، با توجه به ضعف او، هیچ گزینه دیگری نمی تواند وجود داشته باشد یا نتیجه گیری دیگری وجود ندارد که این قدرت خدا است که از طریق او کار می کند و نه قدرت خود او و نه توانایی خودش. بنابراین ضعف و رنج نقش بسیار مهمی ایفا می کند، نقش بسیار مهمی در دوم قرن‌تین، به ویژه به عنوان یکی از اعتبارات رسولی پولس در برابر این رسولان دروغین که اقتدار او را به چالش می کشند.

بنابراین، موضوع چیست؟ اگر می توانستم موضوع دوم قرن‌تین را خلاصه کنم، حداقل یکی از مضامین غالب شکوه از طریق رنج است. در امتداد آن آیاتی که خواندیم، قدرت خدا، جلال خدا از طریق رنج پولس رسول آشکار می شود. نه علیرغم آن یا علاوه بر آن، بلکه از طریق آن و در آن.

بسیار خوب، سوالی در مورد 2 قرن‌تین دارید؟ این عمدتاً چیزی است که من می خواهم شما درک کنید که هدف اصلی آن این است که در ستایش کسانی که به نامه پولس و فرمان های او و رسولیت او پاسخ دادند، اما هشدار دادن و هشدار دادن به کسانی که هنوز با او مخالفت می کنند. و پولس این کار را با اشاره به رنج و ضعف خود انجام می دهد، زیرا از طریق رنج و ضعف او است که جلال و قدرت خدا بیشتر آشکار می شود. پس در یک امتحان، شما قادر خواهید بود به هر چیزی که من در مورد 2 قرن‌تین به شما پرتاب می کنم، پاسخ دهید، هر چیزی که امروز در بحث در مورد آن صحبت کردیم.

بسیار خوب، من به شما گفتم که ما به سرعت از 2 قرن‌تین عبور خواهیم کرد، اما بیا بیدار قطعه دیگری از نامه کلیسای اولیه را باز کنیم و آن این است که به صندوق پستی می رویم و نامه ای را که خطاب به غلاطیان است بیرون می آوریم. حالا، یکی از سوالاتی که پیش می آید این است که نامه را کجا می برد؟ اگر شما یک حامل نامه در قرن اول بودید، و امیدوارم که این را در خواندن کتاب درسی خود با عنوان معرفی عهد جدید درک کرده باشید، اگر شما در قرن اول یک حامل نامه بودید و پولس نامه ای به شما می داد و می گفت، اینجا، این را به غلاطیان ببرید، به کجای دنیا می رفتید؟ زیرا به زودی متوجه خواهید شد که هیچ شهری به نام گالاتیا وجود ندارد. ما به رم نگاه کرده ایم.

رم یک شهر بود و قرن‌تس یک شهر بود، اما ما به غلاطیان می رسیم و به نقشه نگاه می کنید و هیچ شهری به نام غلاطیه وجود ندارد. اما بحث اینجاست. غلاطیه در واقع یک منطقه یا یک کشور بود، در حال حاضر، فقط به طور کلی.

اما در کجا قرار دارد؟ منظورم این است که اگر شما یک حامل نامه قرن اول بودید، نامه را به غلاطیان کجا می بردید؟ پولس چه کسی را مخاطب قرار می داد؟ زیرا باز هم وقتی به عقب برمی گردید و کتاب اعمال رسولان را می خوانید، هیچ اشاره ای به اینکه پولس برای تأسیس کلیسا یا چیزی شبیه به آن به غلاطیان رفته است، نمی بینید. پس غلاطیه کجا بود؟ پولس برای تأسیس کلیسا یا کلیساهایی در غلاطیه کجا می رفت؟ این نامه را کجا می بردید؟ مقصد این نامه ای که پولس نوشت چه بود؟ از آنجا که او در بیت اول شروع می کند، همانطور که در تمام نامه هایش انجام می دهد، معمولاً خود را شناسایی می کند و سپس از گیرندگان نام می برد. این فقط یک روش رایج برای باز کردن یک نامه در قرن اول بود، همانطور که می گوئیم، فلان عزیز، و سپس ما به بدن خود پرتاب می کنیم.

به جای فلانی عزیز، در قرن اول، نویسنده نامه خود را معرفی می کرد و خود و گیرندگان را نیز معرفی می کرد. بنابراین پولس شروع می کند، پولس، رسولی که نه به مأموریت انسانی فرستاده شده است و نه از سوی مقامات انسانی، بلکه از طریق عیسی مسیح و خدا، پدر، که او را از مردگان به کلیساهای غلاطیه برخیزانید. پس کلیساهای غلاطیه کجا بودند؟ خوب، این نقشه ای از این است که قبلاً این نقشه را دیده اید، نقشه ای که سفرهای بشارتی پولس را در کتاب اعمال رسولان و آخرین سفر او به روم در اعمال رسولان فصل 28 نشان می دهد.

و می بینید، شما نمی توانید این را بخوانید، کمی تحریف شده است، اما به وضوح می توانید ببینید که این نقشه حاوی نام بیشتر شهرهایی است که پولس در سفرهای بشارتی خود در طول اعمال رسولان از آنها بازدید کرده است. حالا، متوجه خواهید شد که شاید نتوانید این را ببینید، اما این درست در اینجا می گوید غلاطیا. و این به نوعی گیج کننده است که در کجا قرار می گیرد زیرا واقعا خاص نیست.

گالاتیا کجاست؟ آیا پل... متوجه خواهید شد، غلاطیه اینجا است، اما در هیچ یک از سفرهای پولس او واقعا در این منطقه بلند نمی شود، حداقل آنچه را که ما در کتاب اعمال رسولان می دانیم. بیشتر فعالیت های پل، ترکیه امروزی و آسیای صغیر در آن زمان، بیشتر فعالیت های پل در قسمت جنوبی، نیمه جنوبی ترکیه امروزی یا آسیای صغیر بوده است. بنابراین، آیا پل خطاب به افرادی است که دیگر هرگز به آنها نرفته است، یا چه خبر است؟ گالاتیا کجاست؟ پولس این نامه را کجا فرستاد؟ در واقع دو نظریه وجود دارد که امیدوارم در مورد آنها بخوانید و از کتاب درسی خود به یاد آورید.

یکی از آنها چیزی است که به عنوان نظریه گالاتیا شمالی شناخته می شود. یعنی در اصل، نام گالاتیا به قومی گالاتیان اشاره داشت که در این منطقه در قسمت شمالی نوعی ترکیه مرکزی یا آسیای صغیر بود. این مکان میتوانست مکانی باشد که توسط گالها ساکن شده و متعاقبا به عنوان غلاطیه شناخته میشد.

این به عنوان نظریه غلاطیه شمالی شناخته می شود. و بنابراین، برخی فکر می کنند که وقتی پولس نامه ای به غلاطیان نوشت، او منطقه قومی غلاطیه را خطاب قرار می داد. اگرچه اعمال رسولان به ما نمی گوید که او هرگز به آنجا رفته است، برخی حتی می گویند، خوب، شاید اعمال رسولان به ما نگوید که پولس هر کجا رفته است.

شاید جایی در یکی از این سفرها، او به بخش شمالی مرکز ترکیه، منطقه ای معروف به گالاتیا رفت. و گاهی اوقات ممکن است از آنجا بازدید کرده و کلیساهایی را تأسیس کرده باشد. و اکنون او نامه ای به غلاطیان می نویسد.

پس این همان چیزی است که منظور از نظریه غلاطیه شمالی است. وقتی پولس به غلاطیان می گوید، به غلاطیان قومی می نویسد، به کشور واقعی شمالی غلاطیه. با این حال، نظریه دیگری به نام نظریه غلاطیه جنوبی وجود دارد.

و این در زمان قرن اول بود که روم قدرت را به دست گرفت، روم در واقع غلاطیه را به عنوان یکی از استان های خود تأسیس کرد. اگر به یاد داشته باشید، زمانی که امپراتوری روم قدرت را به دست گرفت، یکی از راه های اداره قلمرو خود، تقسیم آن به استان ها بود. یکی از آن استان ها غلاطیه بود.

و جالب اینجاست که استان رومی غلاطیه به سمت جنوب تا دریای مدیترانه گسترش یافت. بنابراین به احتمال زیاد، تحت این دیدگاه، دیدگاه غلاطیه جنوبی، پولس به مجموعه ای از شهرها، لاسترا و دربه، مجموعه ای از شهرهایی که در غلاطیه جنوبی بودند، می پردازد. این استان غلاطیه است.

بنابراین، آیا تفاوت را می بینید؟ غلاطیه شمالی می گوید که غلاطیه فقط به شمال و در اصل به کشور غلاطیه اشاره داشت. از نظر قومی، مردم غلاطیه در بخش شمالی ترکیه مرکزی زندگی می کردند. اما در زمان امپراتوری روم، روم این شهر را به یک استان تبدیل کرد و غلاطیه را تا جنوب ترکیه، ترکیه امروزی گسترش داد، که تعدادی از شهرها را در بر می گرفت که پولس بیش از یک بار از آنها بازدید کرد.

بنابراین دوباره، من نمی خواهم به جزئیات پردازم که چرا، فکر می کنم، یا به کدام یک باید پایبند باشیم و چرا، اما به نظر می رسد که دیگر، فکر می کنم، تقریباً همه موافق هستند که پولس احتمالا این شهرها را

اینجا در غلاطیه جنوبی خطاب قرار داده است. یعنی غلاطیه به کشور قومی اشاره ندارد، بلکه به استان روم اشاره دارد. بنابراین، دوباره، به احتمال زیاد پولس در حال سخنرانی در مجموعه ای از کلیساها یا شهرهای است که در سفرهای تبلیغی خود در غلاطیه جنوبی، یعنی بخش جنوبی استان غلاطیه رومی، از آنها بازدید کرده است.

حالا می توانید امشب بخوابید، می دانید که پولس کجا را خطاب قرار داد، درست است، شما آن را گرفتید، شمال، می دانید که غلاطیه جنوبی است. باز هم، نمی دانید، اینطور نیست که شما نامه آنها را کاملا متفاوت بخوانید، اما وقتی این سوال را می پرسیم کمک می کند، خوب این چگونه با اعمال رسولان ارتباط برقرار می کند؟ زیرا، دوباره، ما نمی بینیم که پولس به منطقه شمالی اطراف غلاطیه، منطقه قومی غلاطیه برود، اما پولس را در جنوب ترکیه در جایی که در آن زمان به عنوان استان رومی غلاطیه شناخته می شد، می بینیم، بنابراین به احتمال زیاد پولس کسی است که پولس خطاب می کند. بنابراین، من فکر می کنم اگر شما حامل نامه پولس بودید و او نامه را به شما می داد و می گفت، اینجا، این را به غلاطیان ببرید، شما به این دسته از شهرها در اینجا سفر می کردید و این نامه را به آنها می رساندید.

این غلاطیان بودند. سوال دیگر که باز هم اینطور نیست، تفاوت زیادی در تفسیر شما از غلاطیان ایجاد نمی کند، اما به این مربوط می شود که چگونه غلاطیان را با اعمال رسولان مرتبط می کنید، آیا فکر می کنید مناسب است یا در تضاد است یا چگونه غلاطیان را در آنچه در مورد پولس از کتاب اعمال رسولان می دانیم قرار دهیم؟ و آن این است که غلاطیان چه زمانی نوشته شد؟ زود بود یا دیر؟ خوب، این غم و اندوه خوبی است. زود یا دیر در مقایسه با چه؟ منظورم این است که اگر غلاطیان با توجه به تاریخی زودتر از جایی که اکثر محققان آن را تاریخ گذاری می کردند، نوشته می شد، احتمالا اولین نامه ای بود که توسط پولس نوشته شده است که ما داریم، می دانیم و آن را در اختیار داریم.

به یاد داشته باشید، نامه های عهد جدید پولس به ترتیبی که نوشته شده اند مرتب نشده اند. آنها تقریباً به ترتیب طول مرتب شده اند. به همین دلیل است که رومی ها حرف اول را می زنند.

اما اگر زودتر با غلاطیان قرار بگذاریم، اساساً، من آن را فقط در یک لحظه مطرح خواهم کرد. اگر تاریخ آن را زودتر تعیین کنیم، اساساً می گوئیم که غلاطیان احتمالا اولین نامه ای است که پولس نوشت، حداقل که ما سابقه ای از آن داریم. اگر تاریخ آن را دیر بگذاریم، احتمالا اول تسالونیکیان حرف اول یا شاید اولین نامه ای است که پولس نوشته است.

و غلاطیان کمی بعد، چند سال بعد پس از اینکه اول تسالونیکیان را نوشت، آمدند. باز هم، من به این نکته در مورد تاریخ دقیق تا سال پس از میلاد پاسخ نمی دهم، اما فقط نکته اصلی که می خواهم بدانید این است که اگر تاریخ آن را زودتر تعیین کنید، غلاطیان اولین نامه است، حداقل ما می دانیم، احتمالا پولس نوشته است. اگر بعداً با آن قرار بگذارید، به احتمال زیاد 1 تسالونیکیان.

اول تسالونیکیان در صف بعدی قرار دارند و به عنوان اولین نامه ای که پولس نوشت به صدر فهرست برخورد می کند. حال، چگونه به این سوال پاسخ می دهیم، آیا این اولین نامه ای است که پولس نوشت یا نامه دوم، چه ارتباطی با اعمال رسولان دارد. و عامل کلیدی اعمال رسولان فصل 15 است که چه چیزی را ثبت می کند؟ بسیار خوب، شورای اورشلیم.

شورای اورشلیم را به یاد دارید که در آن پولس و سایر رسولان دور هم جمع شدند و به این موضوع پرداختند که چه چیزی از غیریهودیان لازم است تا قوم خدا باشند؟ آیا آنها باید تسلیم شریعت موسی شوند؟ و اجماع این بود که نه، آنها این کار را نمی کنند. بنابراین غیریهودیان می توانند همراه با یهودیان قوم

خدا باشند بدون اینکه مجبور باشند از شریعت موسی عهد عتیق اطاعت کنند. این چیزی است که در اعمال رسولان فصل 15 اتفاق افتاد.

سوال این است که غلاطیان چگونه با آن ارتباط برقرار می کنند؟ زیرا در غلاطیان، اینها لزوماً به معنای صف کشیدن نیستند. من فقط آن را فهرست می کنم، و شما در یک لحظه خواهید دید که چرا. در غلاطیان 1 و 2، می خوانیم، غلاطیان 1 و 2، پولس به نوعی خلاصه ای از زندگی خود را به ما می دهد، از آن زمان، زندگی خود به عنوان یک یهودی.

به یاد داشته باشید که او یک فریسی بود. ما در اعمال رسولان فصل 9 دیدیم که پولس یک فریسی بود، نوعی از نوع متعصب. او مانند یک تروریست قرن اول بود که سعی می کرد کلیسا را از روی غیرت خود برای شریعت و یهودیت نابود کند.

اما پس از آن وقتی مسیح در راه دمشق با او روبرو شد، پولس بازگشت کرد و همچنین به عنوان یک رسول فراخوانده شد. پولس زندگی خود را در فصل های 1 و 2 غلاطیان خلاصه می کند و در این فصل ها، پولس به دو دیدار از اورشلیم اشاره می کند. یکی از دیدارهای اورشلیم مدت کوتاهی پس از بازگشت او اتفاق افتاد.

در اعمال رسولان فصل 9، در راه جاده دمشق، زمانی که خدا او را زمین زد و مسیح بر او ظاهر شد. اندکی پس از آن، پولس از اورشلیم دیدن می کند. اما بعدها در غلاطیان 2، پولس به سفر دیگری به اورشلیم اشاره می کند.

بنابراین، پولس به دو سفر به اورشلیم اشاره می کند. پولس می گوید که بین تغییر دین و بین زمانی که اکنون در حال نوشتن غلاطیان است، دو بار از اورشلیم دیدن کرده است. اعمال رسولان، 15 فصل اول اعمال رسولان، که با فصل 9 شروع می شود، با بازگشت پولس، اعمال رسولان 9-15 به سه دیدار پولس از اورشلیم اشاره می کند.

اولی، در اعمال رسولان 9-10، بدیهی است که همان چیزی است که او در غلاطیان 1 به آن اشاره می کند. بنابراین این مشکل حل می شود. دوباره، پولس به وضوح به دیدار از اورشلیم درست پس از گرویدن به مسیحیت اشاره می کند و سپس اعمال رسولان 9-10 دقیقاً همان دیدار را ثبت می کند. من فکر می کنم همه با آن موافق هستند.

مشکل این است که بازدید از اورشلیم در غلاطیان 2 با کدام یک مطابقت دارد؟ لوقا، که اعمال رسولان را نوشت، به دیدار پولس از اورشلیم در اعمال رسولان فصل 11 اشاره می کند، جایی که پولس در واقع برای کمک به تلاش برای کمک به قحطی به اورشلیم رفت. و سپس اعمال رسولان 15 شورای اورشلیم شماس است. بنابراین، سوال این است که از این یکی مراقبت می شود.

ما می توانیم یک خط مستقیم از غلاطیان 1 تا اعمال رسولان 9-10 بکشیم. آنها هر دو یکسان یا یک علامت برابر هستند. هر دو یک دیدار هستند.

اما سوال این است که وقتی پولس در غلاطیان 2 در مورد دیدارش از اورشلیم صحبت می کند، آیا به اعمال رسولان فصل 11، دیدار پولس از اورشلیم برای تسکین قحطی، تلاش برای کمک به قحطی اشاره دارد؟ یا اینکه پولس در غلاطیان 2 به شورای اورشلیم اشاره می کند؟ حالا می توانید ببینید که کجا زود و دیر. اگر غلاطیان 2 به اعمال رسولان 11، دیدار، دیدار کمک به قحطی اشاره دارد، پس غلاطیان اولین نامه ای است که پولس نوشته است. اگر غلاطیان 2 به اعمال رسولان 15، شورای اورشلیم اشاره می کند، پس غلاطیان چند سال بعد نوشته می شود و اول تسالونیکیان اولین نامه ای است که پولس نوشت.

بنابراین این مسئله پشت زود یا دیر است. دوباره، همه چیز حول محور می چرخد، در غلاطیان 2، دوباره، غلاطیان 1 و 2 به نوعی خلاصه ای از زندگی پولس است که زندگی او در یهودیت و بازگشت او را احاطه کرده است. و در اعمال رسولان 2، او به یکی از بازدیدهای خود از اورشلیم، چند سال پس از بازگشت اشاره می کند.

و نکته کلیدی این است که به کدام یک از دیدارهای اعمال رسولان اشاره دارد؟ زیرا پل این را با جزئیات توضیح نمی دهد. و اینکه فکر می کنید به کدام یک اشاره می کند تأثیر می گذارد که آیا فکر می کنید اعمال رسولان اولین نامه کتابی است که پولس نوشته است، یعنی اگر به دیدار در اعمال رسولان اشاره دارد، یا اگر فکر می کنید غلاطیان کمی دیرتر نوشته شده است، و شاید اول تسالونیکیان اول نوشته شده باشد، اگر غلاطیان 2 به اعمال رسولان 15 اشاره کند، این مورد خواهد بود. زیرا بدیهی است که اگر به اعمال رسولان 15 اشاره داشته باشد، پس غلاطیان نمی توانستند تا مدتی پس از آن، یعنی از نیمه راه قرن اول، نوشته شوند.

اما اگر به اعمال رسولان 11 اشاره دارد، پس غلاطیان باید قبل از وقوع اعمال رسولان 15 نوشته شده باشند. این باعث می شود غلاطیان کمی زودتر قرار بگیرند. فقط برای اینکه بدانید، اما دوباره، من نمی خواهم از آن دفاع کنم، به نظر من، غلاطیان فصل 2 به اعمال رسولان 15، شورای اورشلیم اشاره دارد.

و به دلایلی، پولس تصمیم نگرفت که این یکی را ذکر کند. توضیح متفاوتی در مورد اینکه چرا ممکن است اینطور باشد وجود دارد، اما من فکر می کنم می توان دلیل خوبی داشت که غلاطیان 2 و اعمال رسولان 15 به یک رویداد اشاره می کنند، بنابراین فکر می کنم شاید غلاطیان کمی دیرتر از آن زمان بوده اند، و اول تسالونیکیان احتمالاً اولین کتابی است که نوشته شده است، حداقل اینکه ما شواهدی از نامه های پولس داریم. بسیار خوب، سؤال دیگری در مورد موضوع غلاطیه شمالی و جنوبی دارید؟ غلاطیه در تاریخ نامه پولس کجا بود؟ درست است، دقیقاً حق با شماست.

این در واقع یک موضع اقلیت است. نمی دانم چرا آن را می گیرم. اما بیشتر عهد جدید، اگر به کتابخانه بروید و به یک دسته از نظرسنجی ها یا مقدمه های عهد جدید مشابه کتاب درسی خود نگاه کنید، متوجه می شوید که اکثر آنها غلاطیان 2 را با اعمال رسولان 11 مرتبط می کنند و سپس غلاطیان را به عنوان اولین نامه ای که پولس نوشت قرار می دهند.

اما دوباره، من هنوز متقاعد شده ام که غلاطیان 2 بسیار شبیه اعمال رسولان 15 است. و اگر این دو روایت را بخوانید، منظورم این است که آنها بدیهی است که متفاوت خواهند بود زیرا نویسنده اعمال رسولان قصد ندارد آن را دقیقاً به همان روشی که پولس است ضبط کند، به خصوص پولس قصد دارد آن را برای ژانر نامه ای خود که در آن می نویسد بسیار کوتاه کند. اما یک مشاهده بسیار خوب، متوجه خواهید شد که آنچه من در مورد تاریخ اعمال رسولان و غلاطیان 2 و اعمال رسولان 15 گفتم برعکس آن چیزی است که کتاب درسی شما پیشنهاد می کند.

بسیار خوب، بیایید کمی در مورد اینکه چرا پولس این نامه را در وهله اول نوشت صحبت کنیم. کتاب غلاطیان، وقتی صحبت از هدف یا چرایی نوشتن پولس می شود، فکر می کنم منصفانه است، اگرچه برخی از جزئیات ممکن است آسان نباشد، اما بسیار گسترده است، فکر می کنم استنباط از خواندن کتاب غلاطیان نسبتاً آسان است. حدس می زنم اگر همه ما برای خواندن کتاب غلاطیان وقت بگذاریم، اگر آن را با دقت بخوانید و کمی در مورد آن فکر کنید، بیشتر شما می توانید یک پیشنهاد نسبتاً منطقی در مورد آنچه پولس می خواست انجام دهد ارائه دهید.

و این بدان معناست که به نظر می‌رسد پولس به وضعیتی بسیار متفاوت از آنچه در رومیان و قرن‌تین اول بود می‌پردازد. به این معنا که به نظر می‌رسد پولس به وضعیتی می‌پردازد که در آن برخی از مسیحیان یهودی و ما خواهیم دید که آنها چه می‌کردند و چگونه این کار را انجام می‌دادند، اما برخی از مسیحیان یهودی در واقع انجیل پولس را تضعیف می‌کنند. و اگر به یاد داشته باشید، انجیل پولس، به طور خلاصه آن، این است که غریبه‌هودیان، و همچنین یهودیان، غریبه‌هودیان نیز می‌توانند در برکات نجات شرکت کنند و می‌توانند به غیر از تسلیم شدن در برابر شریعت موسی، قوم خدا شوند.

بنابراین، غریبه‌هودیان، که صرفاً با ایمان به مسیح مشخص شده‌اند، می‌توانند در وعده‌های نجات شرکت کنند و همراه با یهودیان قوم واقعی خدا باشند، و می‌توانند این کار را بدون نیاز به تسلیم شدن از شریعت موسی انجام دهند. این انجیل اکنون توسط گروهی از مسیحیان یهودی به چالش کشیده شده است که ظاهراً انجیل‌های پولس را زیر سوال می‌برند و سعی می‌کنند آنها را تضعیف کنند. پولس و دانشمندان، محققان معمولاً از گروهی در غلاطیان به عنوان یهودیان یاد می‌کنند، یعنی کسانی که شیوه زندگی یهودی را تحت شریعت موسی به غریبه‌هودیان تحمیل می‌کنند یا سعی می‌کنند.

شاید این اسلاید به نوعی پولس و یهودیان را توضیح دهد. بنابراین اساساً، یهودیانی که پولس آنها را مخاطب قرار می‌دهد، و فکر می‌کنم مهم است که بدانیم به نظر می‌رسد آنها یهودیان مسیحی و مسیحی هستند. آنها می‌گویند که آنها این را انکار نمی‌کردند، ظاهراً آنها انکار نمی‌کردند که فرد باید به عیسی مسیح ایمان آورد، اما آنها پیشنهاد می‌کردند که این امر همچنین خواستار انطباق با شریعت موسی است.

بنابراین غریبه‌هودیان، بله، ایمان به مسیح، اما همچنین باید تسلیم شریعت موسی به عنوان نشانگر تعلق به قوم خدا می‌شد. و این منجر به عادل شمردگی یا نجات می‌شود، یا ما در رومیان دیدیم، منظور پولس از عادل شمردگی، این یک اصطلاح قانونی برای تبرئه بود، اعلام اینکه فرد گناهکار نیست، برای تبرئه کردن کسی با ایمان به عیسی مسیح، به علاوه به دست گرفتن نشانگر هویت و سبک زندگی شریعت موسی چیزی است که می‌توانست عادل شمرده شود. اساساً، اگرچه شاید کمی بیش از حد ساده باشد، پولس قصد دارد به یک معنا این فرمول را دوباره انجام دهد و پیشنهاد کند که ایمان به مسیح، ایمان به مسیح چیزی است که عادل شمرده می‌شود، اما عادل شمردگی، با این حال، به وضوح با اطاعت از مسیح همراه است، که پولس قصد دارد آن را با روح القدس مرتبط کند.

توجه کنید که او قانون را حذف کرده است، او قانون موسی را از معادله حذف کرده است. بنابراین، این ایمان به علاوه شریعت موسی نیست، بلکه ایمان به تنهایی فرد را واجد شرایط می‌کند که به قوم خدا تعلق داشته باشد و تبرئه شود، بلکه با اطاعت همراه است، که پولس آن را به عهد جدید روح القدس نسبت می‌دهد. به یاد داشته باشید که وقتی روح القدس، این فصل 2 است، بر قوم خدا، در کتاب اعمال رسولان، در روز پنتیکاست، گفتیم، که بخشی از عهد جدید است.

وقتی خدا، در عهد عتیق، زمانی که خدا قول داد که روزی عهد جدیدی برقرار خواهد کرد، بخشی از آن ریختن روح القدس بر قومش بود. حال، پولس آن را به اطاعت نسبت می‌دهد. بدیهی است که پولس قصد ندارد بگوید که وقتی به پایان غلاطیان رسیدیم کمی بعد به این موضوع نگاه خواهیم کرد.

این روش پولس برای گفتن نیست. بنابراین، شما هیچ مسئولیتی ندارید یا مجبور نیستید کاری انجام دهید. همه اینها کار روح القدس در زندگی شماست. اما به وضوح، پولس اطاعت را نه به زندگی تحت شریعت پیوند می‌دهد، بلکه با شرکت در عهد جدید روح القدس که خدا اکنون بر قوم خود که از طریق ایمان به عیسی مسیح وارد می‌شوند، ریخته است.

بنابراین، دوباره، شما می توانید ببینید که چگونه پل به نوعی فرمول را معکوس کرده است. نه اینکه بخواهیم فرمولی را به یهودیت یا حتی دیدگاه پولس نسبت دهیم، اما اگر بتوانیم آن را به تفصیل توضیح دهیم، به نظر می رسد این چیزی است که پولس با آن مبارزه می کند و علیه آن بحث می کند و راه حل او این است که آن را اینگونه ببینیم. حال، یک چیز جالب در مورد این نامه این است که شما می توانید ببینید که کجا، اگرچه ما اعتراف می کنیم که عهد جدید کلام خداست، که هرگز از انسانیت این اسناد نمی کاهد، می توان دید که آنها توسط انسان ها از طریق ابزارهای بسیار انسانی نوشتن و ترکیب تولید شده اند، و حتی منعکس کننده لحن و سبک متمایز نویسندگان و نحوه نوشتن آنها است.

به عنوان مثال، وقتی شروع به خواندن غلاطیان می کنید، تصویری بسیار متفاوت از پولس نسبت به رومیان دریافت می کنید. در رومیان، پولس کمی بیشتر به نظر می رسد، مطمئن نیستم که آیا واقعا می خواهم نامه را روانشناس کنم، اما در عین حال، به نظر می رسد که پولس در نحوه ارائه خود کمی محتاط تر یا حساب شده تر است، در حالی که غلاطیان، شما این حس را دارید که پولس واقعا در حاشیه است و لحن او کمی ناگهانی تر و خشن تر است و شما این حس را دارید که او واقعا از وضعیتی که اکنون با آن روبرو است ناراحت است. بنابراین، توجه کنید، پس از مقدمه، که گفتیم غلاطیان مانند هر نامه قرن اول شروع می شود.

پولس، خود را شناسایی می کند، حتی اگر کمی در مورد آن توضیح دهد، و سپس خوانندگان خود را با غلاطیان شناسایی می کند. این دقیقا همان روشی است که شما یک نامه قرن اول را شروع می کنید. پل کار غیرعادی انجام نمی دهد.

با این حال، چیزی که غیرمعمول است این است که در غلاطیان، وقتی غلاطیان را با تمام نامه های دیگری که پولس در عهد جدید نوشت مقایسه می کنید، چیزی را که در تمام نامه های دیگر پیدا می کنید و در هر نامه قرن اول یافت می شود، از دست می دهید، و آن یک شکرگزاری بود. تمام نامه های پولس با این شروع می شود، من از طریق خداوند عیسی مسیح به خاطر شما خدای خود را شکر می کنم، و او خدا را به خاطر کاری که خوانندگانش انجام داده اند یا به خاطر چیزی در زندگی خوانندگانش شکر می کند. در نامه های سکولار قرن اول، اکثر مردم از خدایان، خدایان رومی یا چیزی شبیه به آن برای خوانندگان تشکر می کردند یا از آنها برای سلامتی شان یا چیزی شبیه به آن تشکر می کردند، اما پولس معمولا از خوانندگان به خاطر کارهایی که انجام داده اند یا به دلیل پیشرفت آنها در انجیل تشکر می کند.

اما غلاطیان یک روز شکرگزاری را از دست داده اند. باز هم، این در نامه های پولس عجیب است، اما گاهی اوقات در نامه های قرن اول به همان اندازه عجیب بوده است. در عوض، توجه کنید که فصل 1 و آیه 6 چگونه آغاز می شود.

درست پس از مقدمه، پولس می گوید، من شگفت زده شدم که شما به سرعت کسی را که شما را به فیض مسیح فرا خواند ترک می کنید و به انجیل دیگری روی می آورید. نه اینکه انجیل دیگری وجود داشته باشد، اما برخی هستند که شما را گیج می کنند و می خواهند انجیل مسیح را منحرف کنند. اما حتی اگر ما یا فرشته ای از آسمان بر خلاف آنچه اعلام می کنیم، انجیل دیگری را برای شما اعلام کنیم، بگذارید آن شخص نفرین شود.

باز هم، این زبان قوی است. دوباره، او فقط از شکرگزاری صرف نظر می کند و می گوید، من شگفت زده هستم که بعد از این همه زمانی که صرف موعظه انجیل به شما کردم، شگفت زده شدم که شما به این سرعت توسط چیزی که به وضوح غیر از انجیل است همراه می شوید. فصل 6 و آیه 11، توجه کنید که او چگونه نامه را به پایان می رساند.

در فصل 6 و آیه 11، او می گوید، ببینید وقتی با دست خودم می نویسم چه حروف بزرگی می نویسم حالا، به یاد داشته باشید که ما گفتیم، در مورد رومیان، به یاد داشته باشید که ما گفتیم که پولس، با پیروی از یک قرارداد نسبتاً معمول یک نامه نویس قرن اول، پولس از خدمات یک آمانونسیس یا منشی استفاده می کرد که به احتمال زیاد نامه خود را به او دیکته می کرد. این احتمالاً در مورد غلاطیان صادق بود.

اما اکنون به نظر می رسد که پولس قلم را می گیرد و می گوید، بین وقتی با دست خودم می نویسم چه حروف بزرگی می سازم. برخی گفته اند، خوب، این به خاطر پولس است، آنها این را با خار در جسم مرتبط می کنند. در دوم قرن‌تیان، آنها گفتند که خار در جسم بینایی ضعیف پولس است، بنابراین او مجبور شد با حروف بزرگ بنویسد زیرا نمی توانست ببیند.

نه، من فکر می کنم این مزخرف است. من فکر می کنم این نشانه ای از خشم پولس و پریشانی و شگفتی او است. او سعی می کند توجه را جلب کند.

حالا او می گوید، اگر بتوانم بازنویسی کنم، مثل این است که او می گوید، حالا من می خواهم قلم را بردارم و این نامه را تمام کنم. ببینید چه نامه های بزرگی می نویسم. به عبارت دیگر، شما به این موضوع توجه می کنید زیرا من از نحوه واکنش شما و به سرعت از این انجیل روی آورده اید شگفت زده هستم.

بنابراین، در غلاطیان، لحن بسیار متفاوتی را از طرف پولس می بینیم. ما نامه ای را نمی بینیم که در درجه اول دلگرم کننده باشد و او قرار نیست خوانندگان خود را زیاد تحسین کند. در عوض، این نامه ای خواهد بود که در آن پولس به وضوح از روی ناامیدی و ناامیدی و شگفتی از آنچه خوانندگان انجام می دهند می نویسد و اکنون سعی می کند آنها را به طور متقاعد کننده ای وادار کند که توسط این یهودیان که سعی می کنند غیریهودیان را وادار به تسلیم شریعت موسی و زندگی تحت یهودیت کنند و سعی کنند آنها را وادار کنند که ببینند شریعت عهد عتیق دیگر اجرا نمی شود یک نقش.

ایمان به عیسی مسیح شرط اصلی برای عادل اعلام شدن، تبرئه شدن، عادل شمرده شدن و تعلق به قوم واقعی خدا است. بنابراین، خواهیم دید که پولس چگونه این موضوع را مطرح می کند و این کار را در نامه خود انجام می دهد. تعطیلات بهاری خوبی داشته باشید.

این سخنرانی ۱۸ در مورد ۲ قرن‌تیان و غلاطیان توسط دکتر دیو متیوسون در دوره تاریخ و ادبیات عهد جدید بود.